

سعد پاشا والی مصر بجزم سیاحت روانه پاریس
 پای تخت فرانسه شده و از آنجا اراده سیاحت
 لندن پای تخت انگلیس را داشته است از قراریکه در
 روزنامه جریده الاحداث که در ثانی رسید نوشته
 بودند بعد از رسیدن جناب پاشا رالیه بالظواهر
 قدری ناخوش شده و از آنجا معاودت باسکنند
 نموده است
 در این اوقات فرماندانی اردوی دولت است
 جناب جنرال قوت پاد پور و از به واسطه
 آمده است
 و اپوری در فرانسه ساخته اند که دو دوش او جا
 و دیرکش راهروقت سجا اند میخوابانند و بار بلند
 می کنند و در بیچ حالت از حرکت باز نمیمانند و لندن
 و پاریس امتحان کرده این نوع کشتی را از زیر
 پلها دیرک و دو دوش او را خوبانند و عمود داده
 و باسلامبول نیز اینچور کشتی آورده از زیر کمر پلی که تا
 ساخته اند گذرانده و امتحان نمودند
 در این اوقات سیم حرج صاعقه از اسلامبول پاریس
 پای تخت فرانسه و لندن پای تخت انگلیس میانند
 و سیمهای او را می کشند از قراریکه در روزنامه
 لندن نوشته اند بعد از اتمام این سیم صاعقه
 اجرای اخبار فیما بین این سه ولایت معظم بزرگ
 در مدت یک ساعت خواهد شد

۱۵۹۸

دیگر از قراریکه در جریده الاحداث نوشته اند پسر ارد
 و ولعید دولت پروسی در این اوقات بلژیک
 و بنا بر روایات واقعه اغلیحضرت پادشاه انگلیس
 دختر خود را بجهت ترویج مافرد او نموده است
 از جانب دولت فخر فرانسه چندی قبل کشتی معناد
 پنج رزغ طول و بیت و پنج رزغ عرض بنا نموده بیست
 در این اوقات کشتی مزبور را با تمام رسانده و با سگ
 آورده اند و در ورون آن کشتی بمحذ غزاده توپ قلعه کوه
 بزرگ گذاشته اند اطراف کشتی مزبور را بقطر و صفا
 سنگت سیم کشیده اند و کجای این کشتی متین و مضبوط
 که در وقت خالی کردن آن توپهای بزرگ همیشه
 و زیان بکشتی نیرسد در دعوا در حالت انداختن
 توپ ازین کشتی دیر کمالش را پائین می آرند و در کشتی
 میگذارند و از برای روی کشتی سرتاسر پوشی از این
 درست کرده اند آن پوشش آهن را روی کشتی می کشند
 و مشول تیراندازی و دعوا میشوند
 دولتای فرنگستان سال مشورتخانه برای قرارداد خالی
 انعقاد میدهند در دولت فلنک سال که مشورتخانه
 کشوده شده و پادشاه آنولایت مشورتخانه مزبور
 آمده است از جمله تقریراتی که پادشاه در مشورتخانه
 کرده است امسال هم بی طرفی دولت خود را در اجراء
 محاربه حاضره دول بیان نموده است

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم ربیع الثانی ۱۳۷۲

نمره ولایت پنجاه و یک

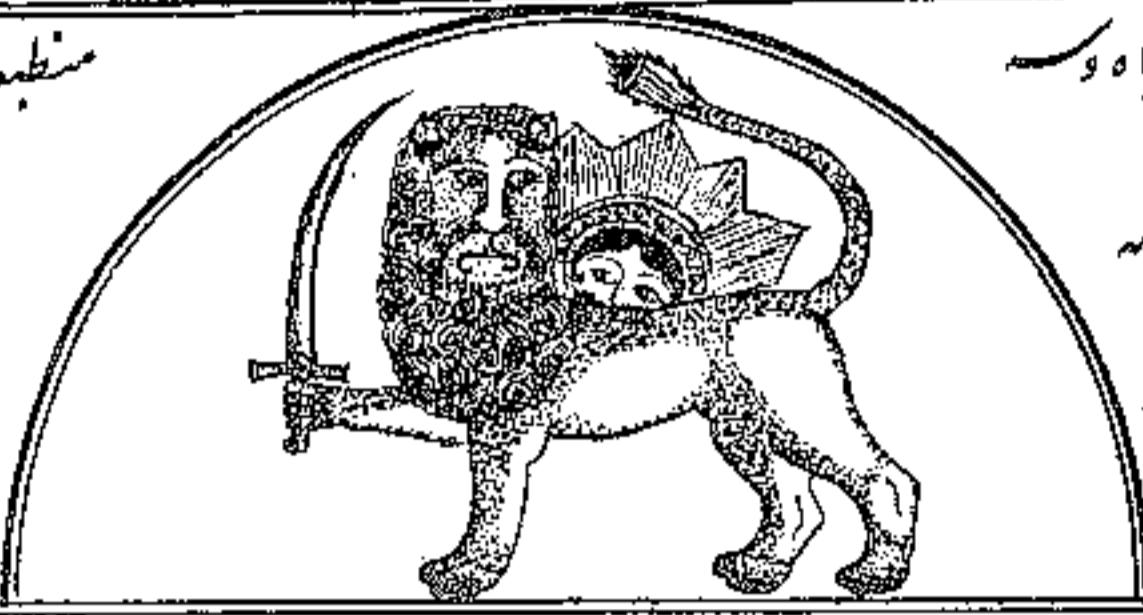
منظومه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه ده شمر

هر خط پنج شمر



اجبار و احضار ملوک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز پنجشنبه گذشته ملوک هایون اعلیحضرت شاهی شوکت شاهنشاهی بمیدان اسب دو انی تشریف فرما گردیده به قانون معموله در اول حرکت و در میان راه دور و در بجا رت میدان مزبور شلیک زنبورک گردید و بعد از ورود و بمیدان مزبور از اسبهای خاصه شاهنشاهی و اسبهای سایر امنای دولت علییه که سو قالی کرده بودند سه دسته جور نموده است. اول چهار دوره که هر دوره نیم فرسخ است و در دوم سه دوره و در سیم دو دوره اسب گردند و اسبهای که پیش آمدند کیسهای لول که بجهت هر اسبی که پیش بیاید گذاشته بودند چاکبوساران آنها بمر بمرق رسیده بودند و بعد از تفریح و تکمیل اسب دو انی و بذل انعام بشاران و غیره

ملوک هایون بهمان ترتیب بعمارت مبارکه سلطنتی معاودت فرمودند. چون نواب مستطاب عماد الدوله حکمران کرمان در نظام امور ولایت و رسیدگی کامل بکار لوگرو بر عهت و انجام خدمات دیوانی مراتب اتهامات خود را مشهور خاطر مظهر مظاہر اقدس هایون شاهنشاهی داشته و امنای دولت علیه کمال رضایت از حسن کفایت و کاروانی و رعیت داری نواب معزی الیه داشته اند در این اوقات از جانب سنی ایچوا ملوکات یکتوب کلچیه ترمه از طبوسن خاص بدن مبارک برسم خلعت با ملقوفه فرمان مهر لغان بسنی بر اطمینان مرحوم شاهنشاهی بجهت نواب معزی الیه عنایت و ارسا گردید. نظر سجداتی که از عالیجاه محمود خان کلانتر در ایام

۱۵۹۹

اورده بودند محنت کردید

و همچنین سی و چهار نیره سر از اشرازلوچه که عالیجاه
اما معینان گرفته و تفصیل آن در روزنامه نوشته
میشود درین روزنامه برای مزبور مصحوب حاجی
علام مهاجر بدار انجلا فمبارک رسیده از حضور
مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی گذشته و نسبت
بعالیجاه اما معنی خان التفات فرمودند

و همچنین جمعی از سواره طالبه همانکه ترکان لغز
تاخت صفیات نظام آمده مال دسیر از آنجا بر
بودند عالیجاه عباستقلیحان حاکم شاهر و همچنین
استحصار پنجاه نفر سواره برداشته و آنها را لغز

کرده رسیده بود و جبک در پیوسته اسیر و
مال را تا آبا آنها مسترد کرده بخت نیزه سر و
زنده از ترکانان دستگیر کرده بود بقیه ترکان
مخند و آوا و سکو باواری شده بودند و سر با و اسیر
درین روزگار در پیشگاه حضور و از نظر مهر ظهور
گذشته نسبت بعالیجاه عباستقلیحان التفات فرمودند

امور استثنائی

تو پیمان و زنبور کچیان و سواره نظام و افواج
ظرفین در باره یون همه روزه در میدان ارک و
میدان خارج در واره دولت مشغول مشغول
و همه صاحب منصبان و معین کمال مراقبت را در تعلیم
اداب و قواعد نظامی دارند

و در اوقات تشریف فرمائی موکب های یون و سمر
و سیلقات در مراقبت نظم شهر و محلات و انجلا
مبارک که بطور رسیده بود و امنای دولت علیه رضای
از حسن فدان مشارالیه داشتند لهذا در این اوقات
یکتوب جبهه ترمه و یک رشته حامل سفید از ترمه
اول شهری با و محنت کردید

نظر بطور محنت طوکانه در باره عالیجاه معنیقلیحان
نوزی علام شیخ مت و شایسکی و اتهامات او
در انجام خدمات دیوانی در این اوقات حب
سره کار اعلیحضرت شاهنشاهی حکومت ترتیب حیدر
سرافراز گردیده فرمان هر ملحقان یون سر
صدور یافته و حلقه حکومت نیز با و محنت شد

در روزنامه های سابقه نوشته شده بود که جمعی
افغانه تباخت قانیات رفته بودند و عالیجاه
پیر امیر قاین با آنها جبک کرده و آنها را است
و سر و اسیر از آنها گرفته بود و عریضه او در باره یون
رسیده و در آن اوقات حلقه بامیر قاین و
و نشان از مرتبه اول شهری عالیجاه میر علم حاج
محنت کردید در این اوقات چهل نیره سر و چهل
اسیر از افغانه مزبور که زنده دستگیر شده بود
مصحوب سی نفر سوار بدربار یون و شاده در روز
سه شنبه گذشته سر با و اسیر بار از حضور مهر ظهور
مبارک که زانید و انعام طوکانه سواره مزبور که سر با

۱۶۰

فوج طهران جمعی عالیجاه محمد رضا خان سر قیپ فوج
و نندی جمعی عالیجاه ابو القاسم خان سر تنک
چون درین مدت بمراندازی مکرره بودند قرار داد
شد و فشک کلوله دار بانجا دادند که در بالای میدان
اسب دوانی نشانه گذاشته بمراندازی نمایند

لوپچیان طایفه بچارکو که احضار در باره جان
شده بودند در این اوقات وار و ارتحال و مبارک
شده در روز سه شنبه هجرت و سیم ایناه در میدان
ارک حاضر گردیدند

سایر ولایات

اورباچیان و استرآباد و اسدآباد
این ولایات در این معقه اخباری بنویسند

بروجرد

از قراریکه در روزنامه بروجرد نوشته بودند
ستاب احشام الله و له حکم ان بروجرد و لرستان
و عربستان و بختیاری در سلخ ماه صفر عالیجاه
رستم بیگ یاورد توپخانه مبارک را با توپچیان
و توپچانی که مامور عربستان بودند با چهار صد
سرباز و لغمان و فوج و لیجان روانه نمودند چون
توپها بزرگ و راهها تمام کوه و سنگ و عبور
مشکل بود و ولایت نمرنگه بیل دار و کلنگ دار
بمراه نمود و پیر منزلی را نیز و منزل قرار دادند
که باسانی طی منازل نمایند و تجار و آشکر نیز بجهت

احتیاط که اگر در راه چرخ و عراد و توپها
ناید درست کنند همراه نمودند

و بیکر نوشته اند که چون عالیجاه و جنر قلیخان
فوج خدا بند اول بهار که از عربستان
کرده مامور خدمت لرستان شد در لشتر

و خاوه و رار دوی نواب جلال الدین میرزا
بود و بعد از ورود نواب احشام الله و له
و مراجعت عالیجاه مشارالیه و سربازان او
نواب معزی الیه رسیدگی بکار توکر و رعیت که

نمودند عالیجاه مشارالیه زیاده خوب رعیت
کرده بود و هم نواب جلال الدین میرزا
سلوک او و سربازان او را اتهامات آنها در این
خدمات محوله بجز و راضی بودند و هم رعیت
لرستان اظهار رضا مندی نمودند نواب میرزا

النفات زیاده با او و سربازان او نمودند و هم
سواره ما جلال ابو ایچمی عالیجاه نوز محمد خان
در ما نورت لرستان از عهدہ انجام خدمات
مرجوعه خوب برآمده بودند نواب شادرو بهر
فراخور مرتبه النفات نمودند

و بیکر نوشته بودند که در اوقات حرکت نواب
عالیجاهان نوز محمد خان سر قیپ و لیجان سر قیپ
بختیاری و باجلان و سربازان که حاضر بودند موافق
در یافتن و با نواب معزی الیه با تداکات شانه کرد

۱۶۰۱

بسطام و خراسان و دارالمز

ازین ولایات در این بنفقه اجباری نبود

عراق

از قراریکه در روزنامه عراق نوشته اند در ماه
صفه بارندگی زیاد در اکثر ولایات عراق شده است
بجندی که ضرر زیاد بمجصول باغات و غیره رسانده
و حال سه برف در آنجا افتاده و لایق قطع بارندگی
می شود بطوریکه رعایا مجال برداشتن خرمنها و چین
الک و باغات را نگرفته اند و اغلب خرمنها در زیر برف
مانده است و بیدنه قلعه و عمارات سلطان آباد
نیز خرابی رسیده است و اکثر قوای محال فرایند
نیز سیل بطوری خرابی رسانده است که تنقیه آنها

بسیار مشکل است

و هم چنین در شت قنات خالصه سلطان آباد
که آب مشروب اهل آنجا منحصر بهاست از شدت
بارندگی خرابی بهم رسانده و از هر قناتی ده یا نوزده
پشته خوابیده بود و اهل آنجا از آب تنگی می کشیدند
میرزا حسن خان در تنقیه آنها اهتمام نموده و خود سوار شده
بر قناتهای منور رفته و بقدری نفرتی و عجز نماید و در
گذشته است که تنقیه نموده آب آنها را سلطان آباد بجا

نماند که اهل آنجا عسرتی نمی کشند
و یکروز نوشته اند که در روز بیست و نهم منقرضه عصر دوم
یکروز زلزله شدیدی شد و اکثر اهل آنجا بی ترسانند و
قروین و قم و کاشان و کمرستان و کمر

ازین ولایات نیز درین بنفقه اجباری نبود

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند عالیجا میرزا
در استقام امور ولایات ماهه اهتمام دارد و در بنفقه
آدم بجهت رسیدگی کار مستحقین طرق و شوارع و قرا
روانیه نماید

و یکروز باب سی و چهار نیزه سر بلوچ که مصحوب حاج خان
علام مهاجر در بارها لون فرستاده اند نوشته بودند که
بلوچ در ریک شتران طیس قافله در و آرزاده و دبی را
نیز غارت کرده بودند خبر کرمان رسید عالیجا میرزا
بسرحدات اجبار کرده بود عالیجا ابا معنی خان سرحد دار
استماع با جمعی از اهل آنجا خود اینچار و در سه مهرلی
با آنها رسیده و همگی آنها را که سی و چهار نفر بودند

و اموال منسوبه را با سه نفر طفل ستید که اسیر کرده
بودند بر گردانده اموال را بجا جانشان تسلیم
و پدران آن سه نفر طفل ستید که از ترس بلوچ
در گوشه و کنار پنهان بودند آمده عالیجا مشا را بیه
اطفال آنها را با آنها سپرد و صاحبان اموال و
اولیای اطفال از این معنی زیاد شاکر و دعا گو
دولت جاوید مدت علی کر دیدند

کرمان و کیشان و کیشان و کیشان و کیشان
و جهران و پیر و ازین ولایات نیز درین
بنفقه اجباری نبود

۱۶۰۲

انبار دول خارجی

از قرار که در روزنامه فرانس نوشته بودند
 در قریب عا کرد دولت فرانس که در وقت
 و چند وقت گرفته شده بودند درین سال با تمام
 رسیده و قدری نیز از وعده آنها منقضی شده
 بود لهذا از جانب اعلیحضرت لوی ناپلیان که
 دولت فرانس اجبار شده است که بجهت
 و تبدیل عا کرد در این اوقات پارلمان دولت
 فرانس فرقه روزه شود

در روزنامه استانبول نوشته اند که کبک نفر از
 عا کرد فرانس بکشتی بخار موسوم به کت خیرت
 شده بقا کلیه میرفت بجهت سرعت سیر کشتی فرانس
 مشارالیه بدربار افاده بود و در این عین بی از عا کرد
 عثمانیه که در آنجا حاضر بود است خود را بدربار افاده
 و او را از ورطه هلاکت خلاص کرده و از عرقاب
 بیرون آورده بود

دیگر نوشته اند که در از میرهای آنجا حکم کرده بود که
 از تبعه دولت عثمانی یا تبعه دول خارجی کسی سلاخ
 همراه نداشته باشد و اگر کسی را با اسباب
 تمیسه کنند و درین باب بقولنولهای دول خارجی
 معقم از میر نیز اعلام کرده است که به تبعه خود حسب
 قدغن نمایند

دیگر نوشته بودند که شخصی در لباس کسبه و اهل محله

یکبار استیاضات خوابگاه به سکه جلوتو بخانه آورد
 گذاشت و بعد از نیم ساعت دیگر یکی دیگر یکی به آن
 آورد که در قیاتی بگذارد و ببرد مباشر که ک اسکنه
 بشکاک افتاده بود که این شخص باید در زمان
 این اسباب را در دیده با آن شخص هر کیفیت را
 و اسبابها را که داشته فرار کرده بود مباشر که
 نیز آن اسباب را در اسکنه گذاشته منتظر شخص
 می بود و که بیاید آن اسباب را سرور یا بیامده بود
 مباشر فرانس را کت و ده بود و چند بسته ماهوت
 بظرافت او ز راه داده بود و در مسرت و قوت آن ماهوتها
 قطع کرده و اطمینان نموده بود که در مکرک خا بر
 صاحب آنها آمده است که دل خود را در دست نماید

دیگر در روزنامه انگلیس نوشته بودند که از اقوام
 پادشاه انگلیس دوقی ده کیمبرج نام در نشون خیرت
 ما هر و انا کثیره از او بظاهر کرده و بشوق فزون
 اقدام و اهتمام زیاده وارد در این اوقات چند نفر
 از معلمین بک شش خوان شخص گردیده و کسوف
 معین کرده اند بالعکس شش خوان که شش شیک
 و مشارالیه با معلمین همه روز مشغول تعلیم و تعلم
 آنها باشند

دیگر در روزنامه نوشته بودند که درین اوقات
 دولت میان فرانک که هر فرانس بگذارد و بنابر
 ایران است قرض دولت استریه شخص گردیده است

۱۶۰۳

و موعده ای آن رسیده از جانب امپراطور است
 استریه اخبار شده است که بعضی از اطاک مستعلا
 و دولتی بر صاحبان اطاک و اربابان معتبره و اکابر
 نایند الی چنین بیج و فروش اطاک مزبوره قرار داد
 قروض دولت مزبوره بشود
 دیگر نوشته بودند که چند وقت پیش ازین پیش
 کسفا را که سائله نام داشت االی انجا اورا
 سخواسمه و احتلال عظیم در ولایت پیدا شده
 و خلق هجوم کرده عمارت اورا محاصره کرده بودند
 بالاخره خیرال قارو نام را بریاست ولایت
 برقرار کرده بودند

دیگر از دولت یونان نوشته اند که در این اوقات
 قرار شده است که کشتیهای تجار که با ولایت میره
 از هر دولت که باشد تذکره که از قرانتین با آنها
 داده میشود تا بهر و تصدیق قول یونان شده
 معتبر نخواهد بود و از جانب دولت یونان بهمه پانزده
 دول خارج این فقره اخبار و اعلام شده است
 دیگر نوشته بودند که چون در دولت عثمانی معمول است
 که در تازمه شدن سال و زرای آن دولت مجلس
 مشورت برپا می کنند و آن روز را اعلیحضرت سلطان
 دولت عثمانی خود بر سندی است شورای مزبور قرار
 میگیرد و درین سال نیز تفرار سابق در دیوان مزبور
 شد و اعلیحضرت سلطان در آن مجلس بوزرای

۱۶۰۴

خود بجان بجان سپرده بود که حرب تسلط و حکم
 که بشما داده ام باید حیالان را همیشه بر ترقی و امور
 رعایای من مصروف دارید

یک نفر از اعیانای دولت استریه بارون و تریچ
 زیاد منن شده بوده است و سوای یک نواده
 اولاد دیگر نداشته در این اوقات وفات کرده
 و پانصد هزار کتیه پول نقدش ظهور نموده و خیلی
 اطاک داشته است و متوفای مرقوم بسیار مشک و
 بوده و تا آخر عمر آنچه جمع کرده بود بعد از مردنش
 در کتیهها گذاشته بود از مخزنها و کوشه کتیههای
 خانه بیرون آورده اند

دیگر نوشته بودند که بسبب بعضی منازعات و کلا
 دولت یونان کلاً از شغل و عمل خود استعفا کرده اند
 و بجای آنها اشخاصی دیگر نصب تعیین شده اند و
 رئیس الکاله لعبد ه سفر دولت مشا را لیه که در
 لندن است محول گشته است

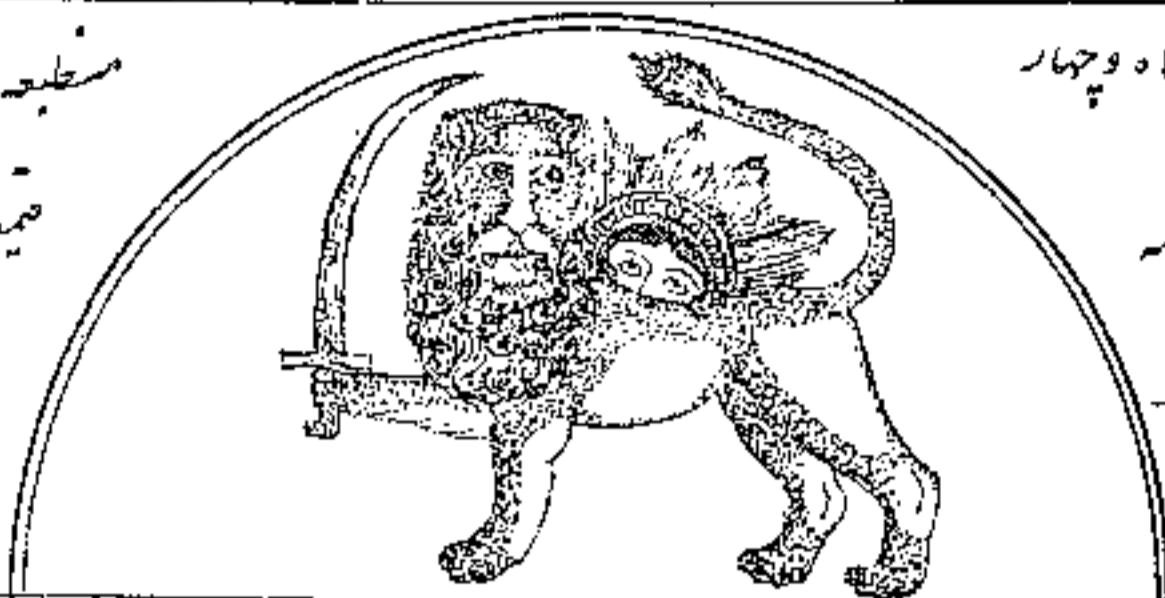
دیگر نوشته بودند که در پانزدهم ماه محرم در بلده با
 از اول شب الی صبح باران شدیدی آمده است که بان
 باران دیده شده بود از آب آن باران آنچه در کوزه
 ضبط کرده بودند رنگ سبز داشته است و آنچه نیز
 در عذیر و کوهها بوده است باز بر یک سبز همنوع
 باین شدت باران و باین رنگ تا بحال دیده نشده
 و از جمله عجایب است چنانچه

روزنامه وقایع الحاقیه سیراج یوم سیم سهریج فی این لیل ۱۳۷۲

نزدیک و پنجاه و چهار

قیمت روزنامه

هر نسخه شش



مستطبه دار الخلفه طهران

قیمت اعلانات

هر خط پانزده

اجاره واحده مالک محروسه پادشاهی

دار الخلفه طهران

در روز شنبه گذشته اعلیحضرت قوی شکست
شاهنشاهی اید البیته سوار شده بملاحظه سق فوج
طهرانی جمعی عالیجاه و محمد رضا خان میرنوب و فوج دما
جمعی عالیجاه ابوالقاسم خان سرنگ که در بالابلا
میدان اسب دوانی نشاندند که شش مشغول تیراندازی
بودند تشریف فرما گردیده افواج نمر پور و رکمال چا
تیراندازی نمودند و مشق آنها مستحسن خاطر ملوک کایه
و صاحب مضربان آنها مورد تحسین و التفات گردیدند
نظر بطور و فورم جسم اعلیحضرت اقدس تالیون شاه
در باره جناب امجد شرف ارفع صدر اعظم در روز
یکشنبه گذشته بنجاه جناب معظم تشریف فرما گردیدند
لوازم قربانی و پیشکش و پای انداز از جانب جناب معظم

و متعلقان ایشان بجهل آمده و نهار را در آنجا صرف
فرموده تا عصر تشریف فرما بودند و بسیار بر جود
مبارک خوش گذشتند بعد از صرف عصر از دو چاه
بارک مبارک که سلطانی مراجعت فرمودند
چون ولایت کرمان ولایتی سرحد است در این وقت
که مرحوم محمد حسن خان سردار حکمران آنجا بر حمت
ایزدی پیوست و جو و شخصی کافی و کاروان بجهت
حکومت آن ولایت لازم بود نهادند درین روز که حسب
اقدس بیایون شاهنشاهی صان الدائم سلطنته
عن التناهی انمای دولت علیه مقرب درگاه آسمان
امیر الامراء العظام غلام حسین خان سپهسالار که از آن
چاکران دربار تالیون و از قدیمی خدمتگذاران دولت
روز افزون و بحسن کفایت و درایت و کاروانی
موصوف است بحکمرانی مملکت کرمان و مضافات

۱۶۰۵

سرافراز و فرمان مهر لعل خان مبارک در باب حکومت
 او شرف صد دریافته از جانب سنی احوال ملوکانه
 یکشویب جبهه زنده ز فردی دور بخیره و یکشویب قبای
 تر مد کللی اعلی از طبوس خاص با سیر الامراء العظام
 خلعت مرحمت گردیده این اوقات بمهر حکومت روانه
 و عالیجاه میرزا محمد مستوفی سرکارات نیز بوزارت
 و پیش کاری کرمان حسب فرمان مبارک سرافراز
 و یک شویب جبهه تران کرمانی اعلی هم بمشاورت خلعت

مرحمت گردید

چون سواره او صاف ملوکی حواری بجهه بی نظمی و بی مهارت
 جلیل خان سر کرده سواره مزبور بطوریکه کنون
 خاطر و منظور نظام لیاکی دولت علیه است نظام
 محض انتظام امور سواره مزبور را بواجب عالیجاه
 محیی الدین پسر مقرب انخاقان میرزا فتحعلی خان مستوفی
 فرمودند که عالیجاه مشا را لیه خود با سواره مزبوره
 مخصوصا بجهه خدمات نواب شرف ارفع والا امیر
 عا کر منصوره سپرده بنواب مستوفی الیه

عالیجاه مطلب خان لشکر ار که سر کرده سواره سپاده
 کو داری و بطامی بود چون احضار برکاب مبارک
 شد عالیجاه عبد الکریم بیک غلام شیخ دست پیمان
 برادر عالیجاه عباسقلی خان حاکم شاهرود و بطام
 بزرگ و کی سواره و پیاده مزبوره مفتخر و سرافراز فرموده

فرمان های یون و خلعت مرحمت شده روانه کرد
 امورات قسوفی

تو پیمان در بنور کچان و سواره نظام و افواج قاهر
 متوقفین دار اختلاف مبارک که هر روزه در میدان مشق
 حاضر گشته مشق می کنند و عموم صاحب منصبان
 در سر مشق بوده و در تعلیم سرباز کمال اهتمام را

فوج نند سس گرازی جمعی عالیجاه علیستی خان پسر
 و فوج شازده هم شقای جمعی عالیجاه رحمت الله خان
 سر بنک که احضار در بارهای یون شده بودند وارد
 دار اختلاف مبارک گردیده در یوم سه شنبه عرّه انباه
 در میدان ارک حاضر گشته سرکار اعلیحضرت شاهی
 بجهت ملاحظه آنها بمیدان فرمود تشریف آورده مقرب
 فرمودند فوج گرازی مشق تفنگ کرده و فوج شازده
 مشق دوره نمودند زیاده مستحسن و مقبول خاطر ملوکانه
 افتاده مورد رحمت و انعام گردیدند

بعد از ملاحظه مشق و فوج مزبور بمیدان توپچی حاضر گشت
 که مشول مشق بودند تشریف برده بانها نیز التفات
 فرمودند و از آنجا به انبار توپخانه مبارک تشریف فرما
 گردیدند و توپچا را در کمال آراستگی و پاکیزگی در انبار
 چیده بودند زیاده تحسین فرمودند

عالیجاه ششم خان سر بنک فوج کرده که نامور
 صفیان

۱۶۶

بود این اوقات فوج او مرض شدند و خود او
بر کاب مبارک آمده بکطاقه شال باو حلقه حرمه کرد
درین روزها خبازان دارا نکلا و بعضی او لیاکی
دولت علیه رسانیدند که بعضی اشخاص از فرای
تفصیل ذیل و غیر از اینها کانی استند که غله زیاد

خبازان باین واسطه اختیاستش حاصل کردند
اولیای دولت علیه اعلام نمودند که در این هفته
اگر صاحبان انبار و در انبارهای خود را بیاورند
و جنس را بختاز و علاف موافق معمول بفرستند
اولیای دولت علیه محصل نامور خواهند نمود
که حکما در انبارها را بکشایند و هر قدر جنس از هر
در انبار است که بجهت احتکار و ترقی غله انبار کرده
بختاز و علاف بفرستند و از قرار نرخ معمول
آزاد دریافت نمایند البته صاحبان انبار شتر غله که
دارند بفروشش خواهند آورد که بحکم نکت

سایر ولایات

افزایان از قرار یک در روز نامه نوشته
بودند از اتهامات نواب مستطاب شاهزاده
والا تبار نصره الدوله و متحد دربار سپهر
مقرب انخاقان قایم مقام کمال ایت و انتظام
در امور اولایات حاصل است و عامه رعایا و
برایا با نهایت آسودگی بدعای دوام دولت
جاوید مدت علیه استعال دارند

دیگر نوشته اند امسال حاصل در آنجا خوب
بعضی نیامده و زراعت قدری کم ریح شده بود
و غله تسخیر هم رسانده در دار السلطنه تبریز رسیده
سابقه کم بسیار خوب هر دو از هزار مثقال با نر
هزار دینار و جو خرواری دوازده هزار دینار

مقرب انخاقان قایم مقام
مقرب انخاقان سهرابجان
صند و قدر

مقرب انخاقان مجلیخان
نواب صیاء السلطنه
نیر پنجه

اقامه ابراهیم پیر حاجی قایم مقام
میرزا علی طالبی

عاجر محمد خان قاجار
عاجر محمد علی شاهزاده عبدالعظیم
بالنور شاهزاده عبدالعظیم

مادات لاریجان
عاجر حاجی تاجر اصفهان ترک بر

عاجر حسن عرب
لا سید ابراهیم ترک

عاجر محمد اکرم و عاجر عبدالعظیم
رفیع خان قاجار
نقده زر

از ضرورت سالیانه خود دارند و بجهت احتکار و
ترقی غله انبار کرده اند منفر دستند و از این جنس
بقدر ضرورت خبازان برای فروشش نمی آید

۱۶۰۷

بود اسال در خارجها از قبیل خوی و سلاسر و
 مرند و سزاب و کر مرود و شترود و غیره بیت و بخت
 بپرویش می رسید و در خود بپرز بسرتومان فروخته
 میشد بدین واسطه جنایان میخواستند نام را کران
 بکنند رفته در بقعه مستبر که جناب سپه خرد است
 نشسته بودند نظر بر اینکه در شهر تبریز اشخاصی بودند
 که انبارهای غله متعدد داشتند معتقد در بار شهر
 هشام مقرب انخافان قایم مقام ملاحظه زفا چاق
 فقرا و ضعفا از صاحبان غله خواش نمود که هر یک
 فراخور حال خود قدری کندم بختاران بدیند و
 بقرا محمول سابق قیمت بگیرند که نرخ نان بالارزد
 و بقرا اولی بماند صاحبان غله نیز بقدر هر کس حرف
 کندم بقیمت نر بود دادند و بعد از آن نام فراوان
 و ارزان شد و عجزه و ساکین بار فامیت و اسایش
 تمام بدعا کوفی دات اقدس نایون شایسته قیام
 دارند

و دیگر نوشته بودند که یکدسته سر با جمعی قاسم
 سلطان سردسته فوج اول خاصه قراول جنای
 امجد اشرف ارفع صدر اعظم احضار در بار نایون
 شده بودند هر چند قاسم سلطان خود پیش از
 رسیدن حکم جناب معظم بزبارت عقبات
 عالیات رفته بود سر باران او حسب احکم احضار
 تبریز کرده و مواجب سه ماهه ثانی را در اطاق

نظام دریافت کرد و با اتفاق صاحب منصبی که در
 روانه در بار نایون گردیدند
 و همچنین تو سچیان طایفه تبریزی که به تبریز آمده بودند
 مواجب سه ماهه ثانی را در اطاق نظام با سخا
 لکرتو لپان عظام دریافت کرده روانه در بار
 نایون گردیدند

دیگر نوشته بودند که عالیجاه جعفر قلیخان سرب
 مراغه که از در بار نایون مرخص شده بود در
 اوایل شهر ربیع الاول وارد تبریز شده چند روز
 برای ناتمامی کارهای خود در تبریز مانده بعد از
 صورت دادن امورات فوج عینی خود مرخص شده
 روانه مراغه گردید

مقرب انخافان حسین پاشا خان میرنجه بجه
 بعضی امورات خود به تبریز آمده بود امورات خود
 صورت داده روانه مراغه گردید

چون در خصوص مالیات مراغه مباحثین بتجدید
 و موافق قاعده داد و ستد میکردند بعضی جایها
 که شکست و لاوصول مانده بود مالیات و قری را
 مطالبه می نمودند و بعضی دات که با منعت بود آرا
 نیز همان جمع را میخواستند و باین جهت رعایای
 دات شکست فزایی و مالیات دیوانی بر زمین
 میماند مقرب انخافان قایم مقام عالیجاه میرزا محمد
 که نامه ممبری کرده و دبود بجه تعدیل مراغه فرستادند

۱۶۰۸

و همچنین در ستو آه ماضیه مردم صاحب ملک خودشان
 بودند حکام صیبه طمی نمودند و بهره صاحب ملک در
 میان تلف می شد این رسم را نیز بکلیه موقوفات
 بجایگاه یحیی خان ایلمانی حاکم مراده نوشته شد که فلان
 را حاضر نموده مالیات دیوانی را با منقعی که دارد
 بخودشان اجاره بدهند و مالیات دیوانی را از
 خود صاحبان ملک مطالبه نماید و این فرار و ادب
 امید واری و اطمینان صاحبان ملک گردید

اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند از اتمام
 نواب مستطاب بیژاده و الایثار حمت الدوله
 اصفهان کمال اعلیت و انتظام در امور اولایات حاصل
 و خلافت بی ارکشی و صادقی شود

تو پیمان و افواج قاهره متوقف اصفهان همه روز
 مشغول مشق میباشند و نواب حمت الدوله بجهت
 تشویق آنها اغلب اوقات میدان مشق می آیند
 و بمشق آنها رسیدگی می کنند و صاحب منصبان
 نهایت اهتمام را در انتظام امر آنها دارند

دیگر نوشته اند که در شب ششم صفر که شب عید مولود
 مسعود بایون اعلیحضرت شاهی بود حسب الحکم
 نواب حمت الدوله بجمع بازارها و کاروانسراها
 این سبب و چراغانی نموده و اسباب شش باری
 و عیش و شادمانی فراهم آورده جمیع اعظام و اعیان

و صاحب منصبان را آتش نواب مغزی الیه ضیاء
 نموده و عیش و شادمانی مشغول بودند و روز
 ششم که روز عید بود نواب مغزی الیه با لباس نظام
 بیدان نقش جهان آمدند و افواج قاهره در آنجا
 حاضر شده قلعه مرتجع از افواج ساخته شد و توپها
 در گوشه حلقه جای داد و مشغول شلیک عیش گردیدند
 و کل انامی شهر از اعلی و ادانی تماشای آنجا
 مسرت و شادمانی نمودند

دیگر نوشته بودند که نواب حمت الدوله در انتظام

امور زراعات قرار خالصه و در بابی و تنقیه ما و بهای
 اصفهان اهتمام زیاد نموده اند حسب الحکم نواب مغزی
 رعایا در کار زراعت و بذرافشانی میباشند و تنقیه
 مادی هزار جریب که با تمام رسیده بود نواب مغزی

خود بجهت بازدید آنجا رفتند و عالیجا به عبداله خان
 معمارباشی را که از فارس آمده و عازم وارنگلا
 بود همراه بردند که تنقیه مادی مزبور و تنقیه چشمه
 که تازه احداث شده بازدید نماید

دیگر نوشته بودند که امور جبهه خانه اصفهان بسیار
 منظم است و نواب حمت الدوله قدغن نموده اند
 همه روز تمامی کارکنان و استادان و سایر عیال
 جبهه خانه مشغول کار بوده غفلت ننمایند

دیگر نوشته اند که یکی عتاز شب گذشته سارقی
 در ب دکان حاجی عبدالحسین و لال را باز کرده

۱۶۰۹

یکصد و هجری از دکان مزبور سرقت نموده مرتب
 بعرض نواب حشمت الدوله رسید قدغن نمودند که بنا
 داروغه حکما سارق را بدست بیاورد مشا رالیه
 در مقام تفحص برآمد معلوم شده بود که سیدی بزاز
 مرکب این عمل شده است او را با همان جعبه بنزد نواب
 معزی الیه آورده بمقام تو مان وجه نقد و بقدر
 هزار تومان اسناد و پروانه و بقدر سی تومان سایر
 اسباب در میان جعبه بود آنها را بصاحبش تسلیم
 و سارق را قبیله نموده چون سید بود از سیاه
 او گذشته او را توبه دادند

استرآباد و آبا و ازین ولایات
 درین هفت اخباری بود

بروجرد

از قراریکه در روزنامه بروجرد نوشته بودید
 ولایات ابواسمعیلی نواب استغاب شاهزاده و ابلا
 حشام الدوله کمال نظام را وارد و ورکار نو کرد
 رعیت رسیدگی کامل دارند با اینکه ساخلو بود
 برای نوکمرارت دارد خاصه ساخلو کی عربستان
 و محمده و لرستان چون یکسال زیاد تر مقرر شود
 نوکرانجا ساخلو باشند نظر بحسن سلوک نواب
 حشام الدوله و التقاتی که در باره نوکر ساخلو
 استجا نموده اند بعد از انقضای مدت ساخلو کی
 با زهان نوکر او طلب بودند که در آنگاه ساخلو باشند

بسطام و خراسان و حشمه ازین
 ولایات نیز در این هفت اخباری رسیده است

عراق

از قراریکه در روزنامه عراق نوشته اند از اینکامات
 مقرب الخاقان میرزا حسن خان از سنه ماضیه الی
 این اوقات سرقت و هرزگی نسبت سابق بسیار
 کم شده و بندرت در زدی التفاق می افتد مگر درین
 روزها زنی لرستانی با پسری بروجردی همدست
 شده و از هفتشت خانه بروجرد اسبابی سرقت کردند
 بودند صاحبان مال بنزد مقرب الخاقان میرزا حسن خان
 آمده عارض شدند و قدغن شد که داروغه و کفایت
 حکما سارق و اسباب سرور را پیدا نمایند بعد از
 تفحص و تجسس آن ضعیفه و سپهر را بدست آورده بنزد
 مقرب الخاقان مشا رالیه آوردند اول انکار داشتند
 بعد از تهدید اقرار کرده بودند که مس سباب مردم را
 زد دیده و در خارج بلده دفن کرده ایم فرستاده
 اموال مزبوره را بعینها آورده بصاحبان تسلیم
 و سارق و سارق را بعد از عتاب بدست دولفر
 سوار واده بود که برده بچاک بروجرد رسانده
 معاودت نمایند

فارس

ازین ولایات نیز درین هفت اخباری رسیده است
 که نوشته شود

۱۶۱۰

قره‌بین

از قرار یک در روزنامه قره‌بین نوشته اند در سوا
 عقب سربانی سخت در آنجا اتفاق افتاد بطوریکه
 با عثمان انکوره و جایز بند وانه و خرنزه را سترضیا
 کرد و آنجای ندرایج کرد و دو شبانه روز منقل
 باران زیاد بارید ولی بجهت حاصل این باران بسیار
 نفع داشت و سجد السد کمال فراوانی و ارزانی در
 انولایت حاصل است و امور انولایت بهرجهت
 منظم است و کسی خلاف حساب و زیادتی نسبت
 بکسی نیستند بکنند و مالی انولایت در کمال سود
 و شکر گذاری میباشد

دیگر نوشته بودند که یک نفر ضعیف از قریه ابدالی
 باشو برش که غلام سیاه از او کرده بود و عمو کرده
 بیرون رفته بود و زواری که بعبیات میرفتند در
 لغش ضعیف را دیده بان انداق خبر کرده بودند
 مراتب را مقرب انخاقان حاجی حسنعلی خان پیشکار
 قره‌بین مطلع شده و دستا و لغش ضعیف را آورد
 و غلام سیاه را هم که شوهر او بود حاضر کردند بعد از
 تحقیق از خارج و داخل معلوم شد که همان غلام
 که شوهر او بود یکپای او را کشید و او را کشید
 لغش او را دفن نموده و غلام سیاه را پس کرده
 تا بعد از ثبوت شرعی بقصاص رسد

دیگر نوشته اند که چون تبادی ایام و تعذیات نیا

سابق خرابی بحال رود بار رسیده بود و مقرب انخاقان
 حاجی حسنعلی خان پیشکار با اتفاق عالیجاه خان با
 سجهت باز دید و تدارک خرابیهای آنجا رفتند و
 زراعات آنجا و سیاه و من و شال و سایر زراعت
 آنجا را نظمی کامل داده قرار داد کار آنجا را دادند
 که از که خدایان و رئیس سفیدان بر عایدی آنجا
 بهیچوجه اجاف و زیادتی نشود و بقدر و بسبب نفع
 از تفرق خالصات که بجانای دیگر رفته بود و
 نمودند و بامر زراعت و رعیتی مشغول اند و امسال
 باران هم موعود و خوب آمده و بخلاف سالهای
 دیگر که تخم بزر را در زمین خشک می افشاندند
 بواسطه بارندگی در زمین آب خورده نذر افشانی کرده
 و با الفسل زراعات خالصات و غیره آنجا

دختم است

قسم و کاشان و کردستان
 ازین ولایات نیز درین نغمه اخباری رسیده
 کرمانشاهان

از قرار یک در روزنامه کرمانشاهان نوشته اند
 عالیجاه جانمحمد خان سرمنک فوج خلیج ساوه که
 با فوج خود ما مور کرمانشاهان بودند وارد آنجا
 گردیده بجای فوج سرمندی مأمور خدمات آنجا
 شدند و عالیجاه ابو الفتح خان سرمنک فوج سرمنک
 با فوج خود مرخص گردیدند و نواب شاهزاده عباد الله

۱۶۱۱

حکمران کرمانشان سببه خدمات عالیجاه پادشاهی
باو انعامات نموده یک طاقه شال کشمیری بهم رسانید
خلعت دادند

دیگر نوشته اند که در این روزها از بعضی خانه ها
شهر کرمانشان حوزده دزدی میشد که خدایان
در تقصیر سارق بودند تا در این اوقات شخصی
سیرت گرفته معلوم شد که مشارالیه روزها را
بجانه های مردم میرفت و هنگام فرصت افتاب
و مجموعه و ازین قبیل اسباب میدزدید و است
بعضی اسباب مردم را از او سرگردانند و
اخذ باقی اموال مردم در حین است تا بعد از آن
انها حکم او بشود

دیگر نوشته اند که چند وقت است بارندگی
در کرمانشان میشود و بواسطه سابق بسیار
شده است و نرخ غله روز بروز در تنزل است و هرچی
کمال و فوراً دارد و عبور روز و قوافل از هر طرفی
زیاد میشود که مخر واری دوازده هزار بود بسبب
این بارندگیها تنزل کرده حال بنه هزار فروخته میشود
و جو که مخر واری شش هزار بود و حال شش هزار است
و سایر اجناس کولات نیز بهین نسبت تنزل کرده است
و در ماه نیز امسال از مندیج زیاد تر از سالهای دیگر
می آورند

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند بعد از
فوت مرحوم محمد حجتان سردار چون ایام حرکت توابع
با عرض اقدس بود مردم بوارطه قطاع الطریق
توهمی داشتند عالیجاه میرزا شفیع وزیر چند نفر
همراه آنها نموده و بجای یک سرگرد نفیسی شخصی
قراول خانه را ور که اخر خاک کرمان و اول دست
لوت است اعلام نمود که پنجاه نفر نفیسی بر داشته و روز
مبائن برسانند و همچنین در مراجعت باز آنها را با
نفیسی وارد و روزهای مشارالیه نیز از انفراد معمول داشته
در این اوقات روزا صحیحی و سالمآ وارد کرمان گردیدند

دیگر نوشته اند که در این اوقات که موسم نسق زراعت
بود عالیجاه میرزا شفیع هر بلوکی که خالصه داشت دو نفر
ادم این فرستاده و بهر یک از صنایع اعلام کرد که ادم
معتبر از خود در بهلوی آنها بگذارد که بقاعده زراعت
نماید و اگر عیب نفیسی وارد بیاید از عهد برسد
حومد قریب و بعیده که نزدیک بودند بسیارترین را آوردند
خود الترام گرفت و کمال وقت را در انتظام امر آنها
وارد

گرویس و کیلان و مازندران
و طایر و نهاوند و همدان و سرو
ازین ولایات نیز درین مفتی اخباری رسیده است

۱۶۱۲

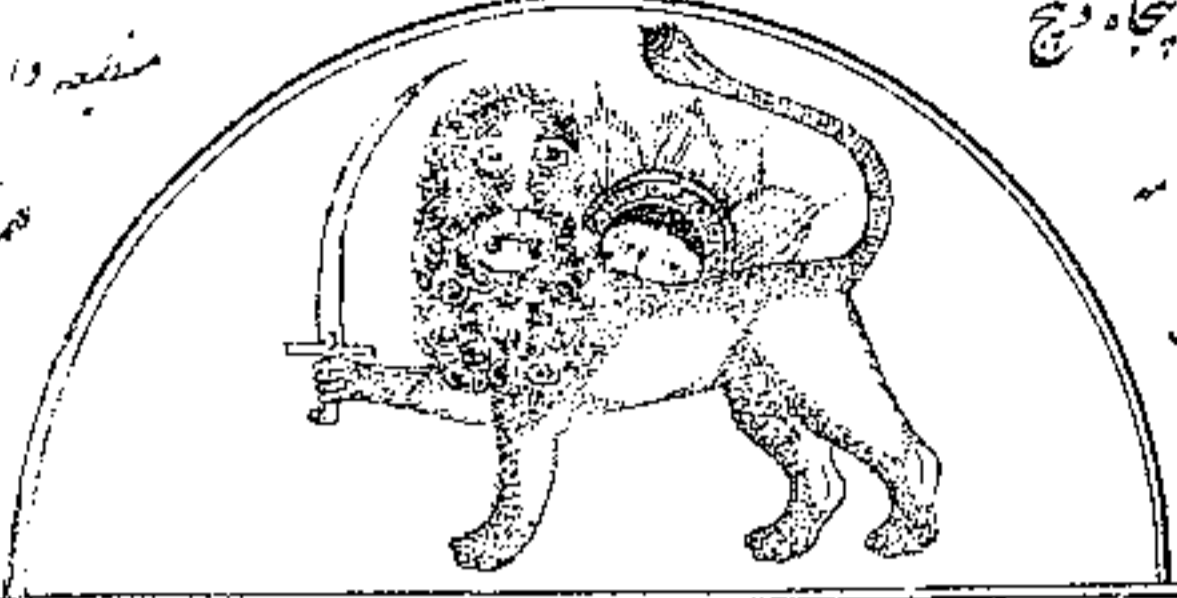
روزنامه وقایع الفایده تاریخ یوم شنبه دهم شهریور سن ۱۲۷۲

مزه دیت بیجا و بیچ

منصفیه دارانچند در طهران

همیت اعلانات

برای اخبار



میت روزنامه

برنجده شاه

اخبار و اخذ ملک محروسه پادشاهی

دارانچند و طهران

چون در این اوقات هوای دارانچند و طهران
 و اطراف کمال بلایت را دار و اعلیحضرت قوی
 سوکت شاهنشاهی غنیمت شکارگاه جاجرد و در
 در روز سه شنبه ششم شریف فرمای شکارگاه
 مزبور گردیدند و قبل از حرکت موکب جاپون
 سواره و شکارچی مامور شدند که از اطراف
 شکار باغها برانند و پیشخانه جاپون جسم شکارگاه
 مزبور رفت که مدارک سر پرده و اسباب ورود
 موکب جاپون را در آنجا بپسند تا بقرار مهمل هر
 چند روزی توقف و تفریح و شکار در آنجا فرمایند

همانچنان و امداد ایشان جاریست نموده نشوند
 بر سر قذفا کشیده آنجا را مقصود شد از راه
 دارد که از آنجا بجزم نشود هر گاه حرکت نماید
 دولت کلیه استقلال حکومت بر آنرا که از آنجا
 قابل دفعه دار و سایر باسما دست اندازی نشود
 بجز حفظ انتظام داخله خراسان و فریاد و
 خود میداند تغییر و تصرف در آنجا و حرکت
 بان تفصیلات و مقدمات که با اطلاع اولیای دولت
 علیه رسید و البته خارج از اقدار خود امیر و
 بخلاف رای این دولت علیه چنین کاری پیشنهاد
 نماید با کمال اطاعتی که همیشه داشت صورت تصرف
 اما باطنا اذلال و رخصه عظیم در داخله ملک خراسان
 و بلکه بلوچستان و کرمان و آن صفحات است و دولت
 نمیتواند برای این انتظام داخله خود را با این شدت

۱۶۱۳

در معرض لرز لرز شاهه نماید تا بد است که بقصد
 دفاع و حفظ نظم داخله و سعادت خود قسود مستعد
 بهرات نفوسه و آن مملکت را از تظاول میرود و
 محفوظ و نظم داخله دولت را مضبوط نماید و حکومت
 بهرات را گذارد که بدست غیر انتقال یابد تا بعد
 اقتصادی مصاح دولتی چشما و لکن این حرکت دولت
 ایران قرار سابق خود را که عبارت از بیطرفی باشد
 بهیچ وجه نسبت با اتفاق دولت متفق تعمیر نخواهد
 در همان بیطرفی ثابت و برقرار بوده و خواهد بود

نظر بطور قابلیت و شایستگی عالیجاه مترتب انجانان
 میرزا احمد ابر خان و دو کوزه کرمست شاهانه دربار
 مشارالیه در این اوقات حسب الامر عدس
 بتالیون شاهنشاهی امسای دولت علیه او منصب
 جلیل استیفای خاصه مفتخر و سراز از فرمودند و
 مهر لجان مبارک در باب منصب رالیه شرف صدور
 یافته و یکثوب جبهه ترنه از طبع کس خانه خاص
 مترتب انجانان مشارالیه شناسیده و مورد احترام
 کامل شاهنشاهی گردید

چون مرحوم میرزا بزرگ شکر نویس در این اوقات
 بر حمت ایزدی پوست لندا عالیجاه میرزا باقر برادر
 او را که قابل شناسیده خدمت بود بجای مرحوم
 منصب شکر نویسی سراز فرموده فرمان بتالیون بزرگ

منصب او شرف صدور یافته یکثوب جبهه کرماتی
 همیشا رالیه خلق محنت گردید
 چون مراتب خدمات عالیجاه آقا جبار شیخ دست
 نظر اقدس بتالیون شاهنشاهی مستحسن و مقبول افتاد
 لندا در این اوقات عنایت طو کانه شامل احوال
 گردیده بقیه خانی حسب فرمان مهر لجان مبارک
 شد

در ایام سابق در عهد دولت خاقان خلد اشیمان
 فتحش شاه منصفه قرار ایستور بود که حکام ولایات
 مالک محرم و سینه پادشاهی سالی یک مرتبه یا دو سال
 یک مرتبه بر کتاب مبارک در دربار معده است و بارها
 حاضر میشدند و این قاعده مستحبه در ایام دولت شاهنشاهی
 مبرور و صحر شاه منصفه انار الله برانه منوخ و منوره
 گردید که حکام تا زمان سزولی هرگز از زیارت حضور
 بتالیون شاهنشاهی صمان الله ایام شوکت عن الله
 بهره مند نمی شدند و این معنی موجب آن شده است که
 بحکم ضرورت لازم شود برای عننی یکی از حکام را

امضایه در بار معدلت در بتالیون نماید الواطو
 او باش شہرت میدهند که حاکم معزول است و بنا
 منصفه را میکند و بایجه اغلب محات دولتی
 میبایست با حضور حکام ولایات منظم شود و کما
 حق بطور دلخواه اولیای دولت علیه قرین استظام

۱۶۱۲

امورات قشونی

افواج قاهره نظام متوقفین دارالخلافه مبارکه
همه روزه در میدان شوق حاضر گشته تا ساعت
مشغول مشق هستند و همه صاحب منصبان کمال
براقبت را در تعلیم مشق و قواعد نظامی دارند

حسب الامر مقرر شده که افواج قاهره ملزم گنج
هاپون را بجهت درست آموخته شدن در سیر انداختن
هفته یک دفعه فشک شلیک داده موافق قاعده
نظامی شلیک نمایند یوم شنبه سه فوج را
نقری بنعت تیر فشک داده در کمال سرعت
چابکی تیر اندازی نمودند

فوج جدید افشار ابو الجحیی عالیجاه یوسف خان
سربسک و فوج شغافی ابو الجحیی عالیجاه حجت الدین
که از آذربایجان احضار برکاب مبارک شده
بودند و در هفته گذشته از حضور مبارک گذشتند
اگرچه سان آنها را معتمد دربار سپهر انجام
تایم مقام در آذربایجان دیده بود معتمد و اور
دار الخلافه مبارکه لشکر نوبیان عظام سان
انهار را دیده و تهیه و تدارک آنها را از انبار
و مواجب آنچه باقی داشتند انجام داده تا خود
خدمت حشران گردیدند

چون در فوج ملا بر جمعی مقرب الشیخان عبدالجبار

نیت لهذا سرکار را علیحضرت شاهنشاهی خلد الله علیه
و سلطانه مقرر فرمودند که حکام ولایات از قرار
تفصیل ذیل محض شرف مدواری حضور مبارک برآید

حکامی که دو سال یک مرتبه برکاب مبارک باید بیایند
بجهت بعد مسافت و سرد بودن

ادزبایجان	خراسان	فاریس
کرمان	کرمان	یزد
کرمانشاه		

حکامی که هر ساله در شب عید نوروز در وقت
سلام تحویل محل باید در حضور هاپون حاضر باشند

اصفهان	بسترآباد	مازندران
کسیندن	همدان	همسه
قزوین	بروجرد	بناوند
طایر	عراق	سمنان و دامغان

شاهرو و و بیظام کروس کاشان

شب عید آنها که حکام ولایات دور دست و
سرحدات هستند دو سال یک مرتبه و آنها که نزدیک
هستند سالی یک مرتبه در شب عید آمده برای وقت
تحویل شرفیابی حضور هاپون را حاصل نموده دو
روز بعد از عید مرخص شده اگر در کار ملکیت هم
فرمایشی باشد شنیده بروند و بخصوصه همان حاکم
مراحت بمقر حکومت خود خواهد کرد

۱۹۱۵

صالحه و له مدتی در فارس ساکن بودند اولیای
دولت علیه مقرر داشتند و فرج فدوی ^{انخافان} جمعی
مصطفی قلیخان میرنچ محض آنها نامور فارس شوند
برده و فرج حاضر گاب مبارک شدند ^{بسیار} بوس
انها داده شد در میدان ارک حاضر گشته بنظر
مبارک رسیدند و مرض شدند که در یوم ^{خوش} پوم
بدون حالت معطلی بروند

سایر ولایات

انور پاشا ^{انخافان} از قراریکه در روزنامه آذربایجان
نوشته بودند انتظام کامل در امور انولایت حاصل
نواب مستطاب شاد برادر والا تبار نصره الله و ^{معتد}
در بار سپهر ^{انخافان} قائم مقام تمام
کام و در نظم امور نوکری و رعیت دارند و کمتری ^{فصل}
قاعده از کسی ناشی و صادر میشود

دیگر نوشته اند که قافل که مال اصفهان و عراق بود
نزدیک صبح از بیرون در و ازه خیابان ^{میکرد}
یک نفر توپچی شقاقی که در کار و اسناری بیرون
مترل داشت در تاریکی میان قاطر را بریده یکبار
با قاطر بکار و اندر برده رفقای خود را خبردار کرده
بار را باقیه بریده میخواستند فیما بین خود قسمت ^{نشدند}
والان در مطلع شده توپچی را گرفته نزد مقرب ^{انخافان}
محمد رضا خان بیکر یکی برده او هم مراتب را ^{بمقتدر}
سپهر ^{انخافان} قائم مقام اخبار کرده

و ستاده توپچی را با بار حاضر کردند و بار را
تسلیم صاحب مال نموده توپچی را بقر اول ^{خسته} انداختند
بعد حکم آن بشود

دیگر در محله نوبر خانه چند نفر را بریده ^{بعضی}
اجناس برده بودند صاحبان مال مقرب ^{انخافان}
قائم مقام عارض شدند از عالیه محمدرضا خان
بیکر یکی سارق را خواسته بعد از دو سه روز ^{تقصیر}
ضعیفه را گرفته آوردند پس تحقیق معلوم شد که در
اموال آن چند نفر همان ضعیفه بوده است اموال
مردم را بتمامه مسترد کرده عاید نمودند و ضعیفه
بپاکار محله سپرده شد که اگر بعد ازین باز مالی ^{از}
او ظاهر کرد مسترد شود

دیگر چند رس اسب و قاطر از محله ^{قوت}
شده بود بعد از ^{تقصیر} بسیار در خانه میرزا جان نام
توپچی یافته اسب و قاطر را بینه گرفته بصاحبان
مال دادند معلوم شد که مشارالیه قدما در ^{لوه}
مال چند نفر را سرقت کرده با جلیل نام ^{فستق} خود
برده و در خانه پنهان کرده اند بعد از آنکه مراتب
سرقت و شرارت او مقرب ^{انخافان} قائم مقام
معلوم شد او را اخراج کرده اموال مردم را ^{بمسترد}
داشته عاید صاحبان مال نمودند و میرزا جان ^{الان}

محبوس است

از قراریکه در ثانی از انور پاشا ^{انخافان}

۱۶۱۶

خبر رسید و رشب چهارشنبه است و چهارم ماه
 ربیع الاول ساعت از شب گذشته زلزله شدید
 در تبریز اتفاق افتاده زمین حرکت سختی کرد ولی بجهت
 استیسی یکی و خرابی بجائی رسید

دیگر نوشته بودند که چون از الواط و او باشن بعضی
 شرارت و هزگی بطور میرسد لهذا مقرب الخاقان
 قایم مقام فرستاد در کوچها و بازارها جا کشیدند
 که هر کس قهقهه بستاند یا با زکرده بگیرند
 و کوشش او را بزنند و همچنین شبها در کوچه و محله از
 هر کس خلاف قاعده ناشی و صدادار بشود از آنجا
 و ادانی صبح آمده بمقرب الخاقان مشا را بپوش
 نمایند تا رفع شرارت و بی حسابی نمودند

بسیاری خود برسانند
 اصغمان و استر اباد و واسه اباد
 ازین ولایات این نغمه اجنبی بود

بروجرد
 از قراریکه در روزنامه بروجرد نوشته بودند بعد
 حرکت نواب مستطاب احتشام الدوله از بروجرد
 اوضاع آنجا از شهر و خارج حسب قرار مانی که نواب
 معزی الیه داده اند و کمال انتظام است برای
 و اینکه راههای بروجرد تا ماحل عمور الوار است نواب
 امیرزاده اکبر میرزا به سستی از طرق سوار قرار سوران
 فرستاده که از خاک بروجرد الی خاک طایر و
 و عراق محارست نمایند سوارهای مزبور نهایت قیمت را

دارند و بجهت حفظ و حرارت آنها تا حال مالی از کسی
 بفرقت نرفته است

دیگر نوشته بودند اهل شهر و سیلاخور علیا و سنغلی که
 نزدیک اند با مور آنها رسیدگی کامل میشود و با مور
 بختیاری و جاپلق نیز که دورند نواب اکبر میرزا ادراک
 فرستاده بخبررسی می نمایند و عالیجناب عبداللہ خان
 نایب بختیاری و جاپلق بارعا بطریق خوب سلوک می نمایند
 و از هر کس خلاف حسابی سرزنند نواب اکبر میرزا عرض
 میکند و حکم آرای نمایند

دیگر نوشته بودند که از اوایل ماه ربیع الاول تا
 آخر ماه مزبور متصل در بروجرد و آن اطراف باران
 بسیارید بطوریکه مردم را از کار زراعت و کشت باغها
 فرصت بزرگشانی نمی داد و ذغال نیز بشهر کم می آمد
 ولی کدم در یک تومان و دوازده هزار بسیار بود
 خریدارند است

دیگر نوشته بودند که ناخوشی و بازار قرار مذکور در بعضی
 دانات سر بند بروجرد داشته و از آنجا بعضی دانات
 سیلاخور نیز سرایت کرده بود چنانچه در کلکانه بعد
 سی نفر تلف شده بودند و در شهر بروجرد نیز خسته
 بروجرد کمی داشته است ولی امید داشته اند که رفع
 شده باشد

دیگر نوشته بودند که نواب مستطاب احتشام الدوله
 در هفتم ماه ربیع الاول که از خرم آباد حرکت میکردند
 و روز بود که در اردوی نواب معزی الیه هم ناخوشی

۱۶۱۷

بروز کرده بود و منصور بیک نایب فوج سیلاچون
 که جوانی خوب بود با شش هفت نفر سر باز و برگرد
 و یک شب فوت شدند و در منزل بعد از خرم آباد
 و لیجان سر تپ نیز ناخوش شده نواب چشم الله
 تخت روان برای او گذاشتند و خود نیز شب منزل
 او رفته میرزا مهدی حکیم باشی را که همراه بود
 در نزد او گذاشته و خود با اردو حرکت کردند و
 مقرر داشتند که هرگاه احوال سر تپ بهم بخورد و چشم
 راحت نماید و اگر خوب شد انعقب اردو برود
 عالیجاه اشارت کرده بود که با این همه اتفاقی که نواب
 شاهزاده چشم الله در حق من کرده اند ما
 دارم بر بخوابم کشت روز دیگر احوالش قدری بهتر
 شد انعقب اردو رفته بود

سیظام

ازین ولایت نیز در این هفته خبری رسیده است

خراسان

از تواریک در روزنامه خراسان نوشته اند کمال
 امنیت و انتظام در امور اتولایت حاصل است و
 ماکولات نهایت وفور و ارزانی را دارد و چهار
 پنج شبانه روز باران میاد و دران ولایت آمده
 بجهت صاحبان ملک و زراعت نهایت خوشحالی می
 دارند

دیگر نوشته بودند که نواب مستطاب شاهزاده چشم الله

فرمانفرمودند که ناخوش و علیل میباشند ولی
 با وجود ضعف و بیجالی روزی دو ساعت بیرون
 آمده بانور ولایتی دعوا ایض مردم رسیدگی نمایند

دیگر در باب وقایع هرات نوشته اند که در این
 اوقات قشونی از کابل و قندهار تا فراه و سپهر
 آمده و از هرات نیز قشونی مقابل آنها رفته اند ولی تا
 بحال با هم جنگی نکرده اند و در مقابل یکدیگر هستند
 تا آنچه شود

دیگر نوشته اند که در این اوقات قاضی شیخ جام
 و شاهزاده عباس قندیل طلا بوزن یکم زیادتر
 با چند طاقه شال ترم کشمیری و دولت توکان و
 نقد بجهت روضه مستبر که رضویه علیه آلاف المشاء و
 آورده است و در آنم ذوی الاحرام سرکار فیض انار
 نمود و در محبت کردند

دیگر نوشته بودند که از اطراف ممالک محروسه
 رواتر زیاد علی التوالی بجهت زیارت روضه مستبر که
 وارد ارض اقدس شده زیارت می کنند و
 در محبت می نمایند و پیش از هر ولایتی بقدر سه چهار
 روز در ارض فیض نیان استند

محمد و دار المرز و سمنان و عراق
 و فارس ازین ولایات نیز در این هفته
 اخباری نبود

۱۶۱۸

قزوین

از قرار یک در روزنامه قزوین نوشته بودند به
امیت و از زانی و فراوالی در آن ولایت حاصل
و بعد از بارندگی زیاد که منافع کلی سبجه زراعت کاران
داشت هوای بسیار خوب و طایم کرده و رعایا در
کمال امیدواری مشغول زراعت و بذرتانی

میباشند

و بیکر نوشته بودند که مقرب انخافان حاجی خان
پیشکار قزوین که سبجه رسیدگی امور بلوک رؤسا
و نظم و نسق زراعتات خالصجات آنجا رفته بود
امورات آنجا را انتظام کامل داده و بعضی از
دعوات که رعایای آنها فرار کرده باشند و سبجه

رفته بودند آدم فرستاده آنها را مطمن نموده
زراعت و عیسی خود آمدند و در اکثر دات خالصه
که رعایا پریشان بودند و تخم نداشتند بزرگ
مصالح الاثاک بانها داده و همه بکار زراعت واداره
و بعضی اشخاص نیز که بی چیز و پریشان بوده اند

احوال هر یک تحقیق داده و همه که خدایان و ریش
سفیدان زراعتات خالصه و غیره را امیدواری
داوه پس از انجام امورات و جمع آوری نفوس

بشهر مراجعت کرده است

دیگر نوشته بودند که در زمان حکومت مقرب انخافان
خسران خان و الی در قزوین خانه مشهدی کاظم در

و حاجی شعبان سرآج را که مشترک بودند برید
بودند و بسبب بی از آنجا بفرست برده بودند در آن
اوقات هر چه تقصیر کرده بودند اثری از سارق
نظور نرسیده بود تا در این اوقات شخصی از کرام

سجاجی شعبان سرآج که یکی از صاحبان مال بود
بود که از اسبابخانه تو در خانه محمد نام جلیلو
سراج دارم صاحب مال نیز در آنجا صاحب

اگر در رفته مراتب را با دکانی کرده و مشارالیه
هم همان ساعت آدم فرستاده خانه محمد جلیلو
کا و دیدند بر که وقت از اسباب سردقه حاجی
شعبان و مشهدی کاظم از خانه او بیرون آمد چون
خود میچ که دزد بود و فراری کرناشان است برادر

او را گرفته مجبوس کردند مقرب انخافان حاجی خان
قدغن کرد که اموال سردقه را حکما میرزا محمد رضا
برادر محمد نام دریافت و صاحبانش تسلیم نماید
چون از اولیای دولت عینده رسم در این اوقات
سبجه اموال مشهدی کاظم و شمس تعلیمه صادر شد

بودند اما مشارالیه آنچه از اموال موجود بود بعینها
و آنچه مفقود بود غرامت آنرا از برادر محمد جلیلو
گرفته رو کرد و بعضی نیز که مانده است در کار گرفتن

میباشد

دیگر نوشته بودند که همساله الالی قزوین از باب
بی آبی شهر و عسرت و تنگی بودند اسال مقرب انخافان

حاجی حسنعلی خان در تعمیر قنوه شهر ریا و اهتمام نموده است
 خاصه در قنات محله حیابان که مشهور بقنات و در قنات
 آب آن مسکونی سالهای دیگر شده است و اهل شهر
 ازین مرحد کمال شکر گذاری و دعا گوئی دارند

دیگر نوشته اند که عالیچاه خان بنا با خان سواره افشاره
 کتبا احضار نموده و مواجب آنها را فردا فردا با آنها عاید
 ساخته و آنچه در نزد و شری در میان سواره و سربازان
 بود همه را اخراج کرده و عوض آنها کمال مقبول گرفته

و از صاحب منصبان نیز التزام گرفت که بعد ازین در نزد
 شری در میان سواره و فوج اگر گاه بداند مورد
 سیاست نظامی باشند
 قسم و کاشان و کردستان و کاشان

این ولایات نیز درین بقیه اخباری نبود

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته بودند خوانین
 بلوچستان متعلق بکرمان حتی از کبچ و مکران و سب و در
 که سی چهل منزل تا بم است اقبال دین محمد خان و عبداللّه
 کرمانی و پسر محمد شاه خان سنی و مهیم خان کبچی و اینها

وارد بم گردیده بنزد عالیچاه امامعلی خان میرحد و در
 آمد حسن خدمت خود را ظاهر ساخته که چون بکام حرکت
 پا و شاهی بخت بلوچستان تا نا در نتیجه و تدارک جمعیت
 خود هستیم که در بکام در رود سپاه منصور و مقام خدمتگذاری با

عالیچاه پشاور الیه انهار ابوظاف اولیای دولت علیه امیدوار

اوده مراتب را با عالیچاه میرزا شفیع اظهار داشته بود
 عالیچاه پشاور الیه نیز خد طاه شال سنگین و یک بند عالیچاه
 امامعلی خان فرستاده بود که بهر کدام که صلاح و امان

خلعت بدید

دیگر نوشته اند که در اواخر دی و اوایل محرم شری شیدی در کرمان
 شد و هواری بطوری سرد کرد که بسیاری از محصول صیفی و میوه باغها

سرمایه بچ نمود

دیگر نوشته اند که شخصی در فرج زنا شیر ناخوش بود و در حالت
 وصیت کرد که بعد از مردن شکم مرابکا فید که جانوری در
 بعد از فوت مشار الیه شکم او را شکافتند جانوری تبرکب پیدا که نمینا

سه چهار یک وزن داشت از شکم او بیرون آمد

کروتس و کیلان و شماوند و بهمان و دیگر
 این ولایات نیز درین بقیه اخباری نبود

اخبار وول خارجه

از دول خارجه اخبار رسید ولی چیزی مناسب این روزنامهها
 مگر اینکه در آتنه پای تخت یونان و نقرضا سلطان عسکر نسبه و در بروج
 از راه است بخانه مکان خود میرفتند مشغول روزان یونانی با آنها بر
 یکی قرار کرده و یکی دیگر گرفته و گفته بودند که اگر تا شب سی هزار فرانس

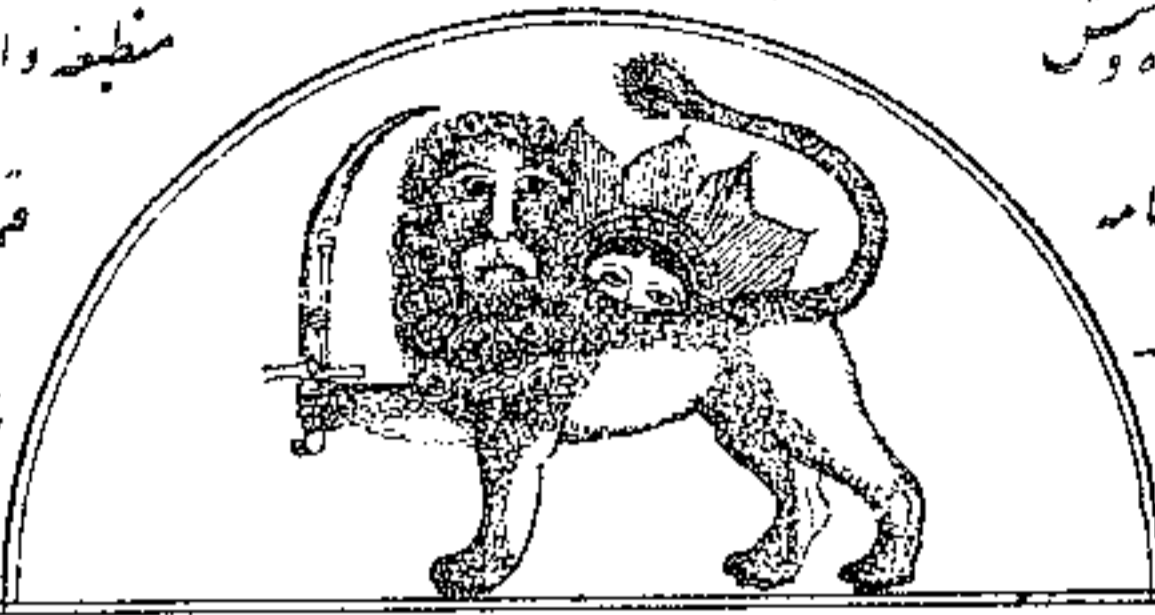
و اوی خلاصی الاثر می کشیم مشار الیه و بیابان نی سید اگر در نزد سفیر
 دولت فرانسه که در آتنه بود و فرستاده که در این اخبار کرده بود
 مر بوزیر نیز بعد از مشاوره با سفیر دولت انگلیس مقیم آنجا سی هزار
 فرانسه را از ویل مالیه دولت یونان تا شب دریافت کرده بزرگان

رساله ضابطه مر بوزیر استخراج کرده بود

۱۶۲۰

روزنامه قایق آفتاب پنجشنبه هفدهم شهریور سال ۱۲۷۲

مرکز چاپخانه
قیمت روزنامه
هر نسخه شش



منطقه و اصلاح طهران
قیمت اخبارات
بر هر خطی

اخبار و اسامی مالک محروم پادشاهی

اروومی هایون

اعلیحضرت قوی شوکت شاهی پادشاهی
چنانچه در روزنامه معتد گذشته نوشته شد
که تشریف فرمای شکارگاه جاجرد گردیدند تاکنون
در آنجا تشریف دارند و از قراریکه خبر از اردوی
هایون میرسد اغلب روزها موکب هایون
تفریح و شکار آن صفحها مشغول میباشد و چنانکه
معمول هر سال است که بعضی از علای اعلام و پسران
عظام و سفیرای دول متوجّه بقمیم دارالخلافه مبارکه
از شکار بهره مند فرموده بگت و غیره بجهت آنها
امسال نیز فرستادند و از قراریکه کورنیز
سمت حصار میرانیز بجهت اینکه جلگه است و شکار
آهومی شود دارند

دارالخلافه طهران

امور دارالخلافه طهران از اهتمامات نواب مسیحا
شاهزاده محترم و الایبارار و شیر میرزا علی
دارالخلافه طهران و توابع و مراقبت مقربان
میرزا موسی و زیر درگال انتظام است و سایر
در بارهایون از میران بجهت صاحب مضبان نظام
و غیره هر کس در سرکار و خدمت خود میباشد
و افواج قاهره نظام نیز همه روزه مشغول مشی
و از جانب صاحب مضبان و معاینه مستحکم کام
و زینت و ادب قواعد نظامی و انتظام امر آنها
و امور شهر و محلات و قرا و نجانها سبب انتظام
و در روی مسیحا می شود و اخبار تازه در شهر اتفاق
نیفتاده مگر اینکه چهار نفر زن فاحشه هرزه کاری
میکردند آنها را گرفته حسب حکم نواب مستی شاهزاده
با سبایشان بجایگاه محمدخان شاهسواری فرستادند

۱۶۲۱

سپرده شد چون کاشانی و اصفهانی بودند مقرر شد که مشارالیه آنها را برده بخاک خودشان رسانده از نوایب مستطاب حمت الدوله حکم ان اصفهان و عالیجاه محمد حسن خان حاکم کاشان قبض رسید که آنها را گرفته بیاورد

دیگر در روزنامه شهر نوشته اند شخصی کاشانی در محله عود لاجان زنی و بچه داشت ضعیف مزبور بود و بیچاره زنانه خود را بهم زده و اربسی میکرد و دیده بود چهری در میان کهنه بسته است تصور تابش کرده بود و حال اینکه داراشکنه بوده است بخمال تابش گفته بود قدری خودم بخورم و قدری بطفل بخورم بحال من و او نفع خواهد داشت قدری خودم صرف کرده و قدری بطفل خورانیده احوال طفل فوراً منقلب گردید بفاصله ساعت در گذشته بود ضعیف را مد او اگر

احتمال خوشین دارد

دیگر نوشته بودند که در عصر روز یکشنبه گذشته عالیجاه میرزا زین العابدین لشکر نویس مباشر سواره ابرهانی در گذر خرقانهای محله جامیدان در روی و کان قضای نشسته بود و تفنگ بری در دستش بود شخص قضاب تفنگ را گرفته بود تا بگذر غافل از اینکه تفنگ پر است و چنانچه تیر سرمانا کاه غفله تفنگ خالی شد مقابل او کریم نام فرانس شاهی نشسته بود و در آنجا چاه لبر

خوردند فوراً جراح حاضر کرده ساچمه را بیرون آوردند بیم هلاکت ندارد

چون مرحوم حاجی میرزا کاظم امین ولایت تبریز بر حمت از روی پیوسته بود نظر بخدمات مرحوم امین ولایت عالیجاهان میرزا عبداله و میرزا رفیع ولدان او که معتمد دربار سپهر استقام مقرب انخافان قائم مقام مراتب قابلیت و استعداد آنها را با ولای دولت علیه معروض داشته بود لهذا در این اوقات از او وارد و طرز اوفان حد لمعان مبارک منصب است تبریز عالیجاه میرزا عبداله معفوض و منصب و کالت دیوانخانه تبریز عالیجاه میرزا رفیع محول و در حق هر مواجب و خانواری از دیوان قدر نشان بر حمت گردید که بلوازم حدت مرحومه اقدام نمایند

لشکر نویس که فوت شده و در مرقه گذشته نوشته شده بود میرزا جانی بود و اشتباهاً میرزا بزرگ نوشته شده بود

سایر ولایات

از بایجان و اصفهان و استرآباد و اسد آباد و پروجرود و بطام ازین ولایات درین هفته اخباری نبود

خراسان

از فرار که در روزنامه خراسان نوشته بودند اموات از تجار در قریاب برده بودند تجار آمده مراتب را

۱۶۲۲

بعالیجاه حسنعلی خان سرتب کروس گفته بودند
 مشارالیه نیز بعضی نواب مستطاب شاهزاده
 افخم و الا تبار فرما فرما رسانده مقرر داشتند
 که بفرستند از ترکمانان مروی و سرخی حاضر کرده
 فراری بدد که اموال تجار مسرو شود و ستاد
 ریش سفیدان مروی و سرخی را آورده فرار
 داد که یکماه از عهد مال تجار بیرون بیایند
 بعد از چند روز خبر رسید که عالیجاه خانسوارخان
 هزاره که در مرو میباشد اموال را بعین از ترکمانان
 گرفته در این روزها بارض اقدس روانه خواهد
 نمود تجار ازین محسنی زیاده مشوف و اظهار شکر
 و دعا کونی نمودند

دیگر نوشته بودند که قاضی نیشابور چنانچه در
 گذشته نوشته شد از دست آقا سید میرزا
 حاکم انجبارض اقدس بکلیت آید بود و بعد
 امام محمد شاور و جمعی دیگر بخلاف او آمد اظهار
 رضامندی از آقا سید میرزا داشتند نواب
 شاهزاده افخم فرما فرما مقرر داشتند تحقیق
 و غوررسی شود و مقرب انجاقان پاشا خان سرتب
 باین مراتب رسید کی نماید درین بین خود آقا
 نیز بارض اقدس آید مراتب تحقیق شده معلوم
 گردیده بود که آقا سید میرزا بقدر سیصد
 مالیات دیوانی اطلاق قاضی را مطالبه و حواله داد

بود قاضی بجهت ندادن مالیات اطلاق خود در صد
 شکایت و افتاد بر آمده بود و عالیجاه آقا سید
 استشهدی که یکماه قبل از آمدن جمیع امالی نیشابور
 حتی خود قاضی نوشته و مهر کرده بود تمدسینی بر
 رضایت از حاکم مزبور بعضی نواب فرما فرما
 و عرض نموده بود که مالیات اطلاق قاضی را از خود
 نذارم بدسم و بر عیت پادشاهی منمستیرم
 مشکن بکنم چون صدق عرض آقا سید میرزا معلوم
 و حسن سلوک او بار عا یا مشخص کردید نواب مغزی
 یکتوب جیبسم با و خلعت داده و بجهت رعایت
 جانب علما و حصول دعا کونی امام جمعه و قاضی را
 نیز خلعت داده همراه عالیجاه آقا سید میرزا
 روانه نمودند

حمه و دار المرز و سنان و شام و
 عراق و فارس و قزوین و قم
 و کاشان و کردستان و کروس
 و کرمانشاهان ازین ولایات نیز درین
 اخباری بنود

کرمان

از فرار یک در روزنامه کرمان نوشته اند عالیجاه
 سرتب فوج خلیف میرزا خود را همه روزه مشغول مشور
 با کمال معقولیت قاری کند نهادند و بعد
 و یزد و ازین ولایات نیز اخباری رسید

۱۶۲۳

تعییر اجناس و ارجحان و طهران درین روزها از مقدار است

گوشت یک من یک هزار و سیار
 برنج غلبه چار من دو هزار و پنجاه
 برنج کرده چار من دو هزار و سیار
 روغن خوب چار من ده ریال
 شمع یک من دو هزار و پنجاه
 روغن چرخ یک من هفتاد
 مات چار من دو هزار و پنجاه
 پیرشور چار من هفت هزار
 قنداری یک من شش هزار و پنجاه
 قند زردی یک من چهار هزار
 نبات یک من چهار هزار و پنجاه
 شکر یک من سه هزار
 بن یک من بیست و یک هزار
 میخک یک من چهار هزار و پنجاه
 دارچین یک من یازده هزار و پنجاه
 فلفل یک من چهار هزار و پنجاه
 زیره یک من چهار هزار و پنجاه
 زرشک بیدان یک من سه هزار و پنجاه
 زعفران ده سیر پانزده هزار
 تنباکوی اعلی چار من شانزده هزار
 انبغوره یک من ده شاهی
 سکنجین یک من دو ریال
 حلویات یک من چهار هزار

کندم یکخوار دو تومان و شصت هزار
 جو یکخوار هفت هزار
 گاه یکخوار پنجاه و پنج من
 عدس یکخوار سه تومان
 ماش یکخوار دو تومان و شصت هزار
 لوبیا یکخوار سه تومان و پنجاه
 نخود سی یکخوار چهار تومان
 ارزن یکخوار پانزده هزار
 کرچک یکخوار چهار تومان و پنجاه
 مگ یکخوار پنجاه و سی
 بیمه یکخوار هشتاد و پنجاه
 ذغال یکخوار بیست و هزار و پنجاه
 کنجد یکخوار شش تومان
 حلز یکخوار دو تومان
 یونجه خشک یکخوار هفت هزار و پنجاه
 خما چار من سه هزار و پنجاه
 پیه که اخته چار من هفت هزار
 کشک چار من دو هزار و پنجاه
 کشمش طعام چار من سی شاهی
 شیره شهد چار من دو هزار و پنجاه
 نان یکخوار دو تومان و پنجاه

۱۶۲۲

اخبار دول خارج

و طوقانه سابقا برودنی حاصل شده بود
 و ایچی های طرفین بولایات خود مراجعت کرده
 بودند در این اوقات دولت فحیمه فرانس
 کرده و مابین دولتین مزبور االقیام داده
 رفیع برودت از طرفین شده است

دیگر نوشته اند که پای پای رومه که بزرگ مدب
 کتولیک عیسویت قدغن کرده است که الی کیا
 شراب و سرکه و الکور از مملکت او سخراج نبرد

دیگر نوشته بودند که از ساروینا سخر ایرمیان
 در یاسیم خرج اتشی برای فرستادن خبر عام
 کرده بودند در بن کشیدن سیم پاره شده بود
 با انگلیس برده بودند که درست نمایند و از انگلیس
 فلنک نیز صد و نوزده میل راه سیم فرور کشیده
 شده بقراریکه در روزنامه اتجا نوشته بودند
 در یازده ساعت این اسباب را گذاشته

و بکار انداخته اند

دیگر نوشته اند که چون در لندن هر سال
 از جانب تجار و صرافان و کسبه حاکم معین
 امسال از جانب تجار و صراف و مشاییر
 موسیو صالون حکومت شهر لندن است

دیگر نوشته بودند که در این اوقات و لیهد و
 بعضی جهات لازمه پاریس پای تحت دولت

از فراریکه در روزنامه نوشته اند در ابرائیل شخصی
 از تجار معتبر لیمونی نام از تبعه یونان که بسیار
 سمول بوده است بعد از شنیدن مقدمه محاربت
 دول قروضی که داشته است ادا کرده و مسافرت

زیاد هم بدولت روس از خود داده بود
 از آن در منزل خود طپانچه پر کرده و بسینه خود
 گذاشته حفاق آنرا کشیده بود که خود را بملاک نماید

طپانچه خالی شده بود طپانچه را برهن زده و با
 تیغ و لاکلی کلوی خود را بریده و در کشته بود

و یونانیان آنجا خبردار شده کسی را که در منزل
 او بودند بجان اینک شاید بطرح نخواه تا جریمه

اورا کشته باشند همه را گرفته مجبوس نمودند
 بعد صدوق اورا که کشودند دیدند نوشته است

که بغیر تم کنجید که اینهمه حوادث را بشنوم
 خودم را ملاک کردم

دیگر نوشته بودند که پادشاه دولت فلنک
 که والده اش خواهر امپراطور سابق روس بود

در این اوقات شان بزرگ دولت فلنک را
 بجهت امپراطور فرانس فرستاده بود والده

فلنک از اینمختی از پسر خود از زده خاطر شده
 کرده بجهت دول المان باره

دیگر نوشته بودند که مابین دولتین ساروین

۱۶۲۵

دیگر نوشته اند که در فرست بجهت اینکه المانی در
از حیث اخیر در رفاه باشند و عمرت کشند
اعانه معین کرده و صد هزار کیسه که مساوی دو
پول بر است با و تحویل کرده اند که برار عین
مساعده قرض بدینند که امور زراعت آنها رونق
بگیرد و منافع این خواه را زیاد از صد و پنج
میکنند و گرفتن این صد و پنج نیز بجهت مخارج
و عیال است او خواهد بود

دولت دیگر در این اوقات قرانامه جدید
و تاسیس میجو است بکن در ولایت خود
و از جانب کل و کل و وزیر امضای قرار دادی
عبدید را کرده بودند و لحد و پر او در دولت مشارالیه
که سه چهار مرتبه ماموریت و منصب حربیه را هم دار
قرار فرموده بود و امضا کرده است و است
موده از این جهت تمامی ماموریت که عهد او بود
لغو شد است

از قراریکه در روزنامه جریده الحوادث نوشته
امیر عبدالقادر جزایری که چندی قبل ازین بجهت
آب و هوا پاریس پای تخت فرستاده رفته بود
بعد از چندی اقامت از آنجا بد سعادت سلب
معاودت نموده چون توقف او سابقا در برو
بجهت شدت زلزله های متعدد در بروشم از توقف
آنجا آکراه داشته و خواهش نموده است که رفته در

اقامت نماید

دیگر نوشته بودند که چون بعضی اوقات بجهت طوفان
در یابیمه و ذغال با سلا مبول کم می آمد و ازین
ببروم بد میگذشت لهذا حسب الامر علیحده
یک کشتی سنجار تادمت دو ماه مخصوص کشتیها که
و ذغال در آنها حمل میشود معین شد که در اوقات
طوفان کشتیهای مزبور را کشید بکنگاره بیاورد
کرایه و اجرت از صاحبان همهمه و ذغال گرفته شود
که در رفاه باشند

دیگر نوشته اند که سکنه یک کشتی را از موک در
بجو پری بیرون می آوردند درین بین ضعیفه بان
بدریا افتاده بودند یک نفر از غم کمر خورده
در آنجا بوده است خود را با رخت بدریا انداخته
و ضعیفه مزبوره را با طفاش از آب بیرون آورده بود
دیگر نوشته بودند که در محله بابا حیدر خجاعت از کشته از رفاه
این آقای فوجی شش ماهی که در غمانه و پیره جبردار شد در طفاش
ان اتهام نموده شش ماهی که در غمانه و پیره جبردار شد در طفاش

نشده بود

اعلانات

کتاب تاریخ حبیب سیرت جلد در یک جلد چاپ شده
در بازار صحافان در دکان حاجی نصر الله صحاف
میشود و مبلغ چهار تومان و نیم هر کس خریدار باشد
دکان مزبور استیلا نماید

۱۶۲۶

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه بیست و چهارم شهر ربیع الثانی سن ۱۲۷۲

نمونه ویت و پنجاه هفت

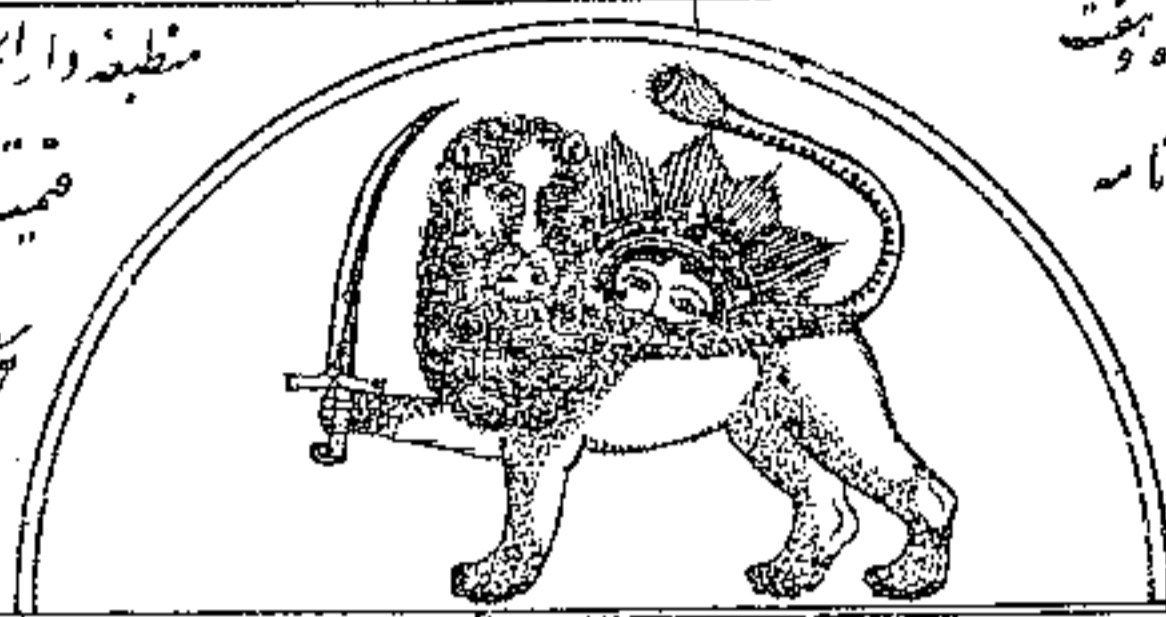
قیمت روزنامه

هر نسخه ده شاهی

منظومه و اخبار طهران

قیمت املاجات

هر خطی شش



اخبار واحده ممالک محروسه پادشاهی

و اخبار طهران

اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی که بکارگاه جاجرو و تشریف فرم شده بودند در روز پنجشنبه اینگاه از شکارگاه منزل بومر حاجت بدارانخلافت مبارکه فرموده صاحب منصبان نظام و چاکران دربار بجایون که در شهر بودند باستقبال موکب فیروزی کوکب شتافته لوازم قربانی و شاه دمانی را بعلی و موکب بجایون از دروازه شیران وارد شهر کرده تشریف فرمایان مبارکه شدند

که درین روزها برف معقولی بیاید و روی حاصل را بگیرد که حاصل از خر خشکه سه مائده میرزا فتح الله شکر نویس باشی که از دربار بجاوین مرضی حاصل نموده بزیاارت عقبات عالیاست رفته بود در کرمانشاهان برحمت ایزدی پویان خبر وفات او بدارانخلافت مبارکه رسید بشارت شرف امجد ارفع صدر اعظم در خانه مرحوم مشارالیه مجلس فاستحه گذاشته جمیع اعیان و چاکران دربار بجایون مجلس حاضر شدند چون مرحوم مشارالیه در اول شباب و باصالت و نجات و کمال معیشت سلامت نفس معروف بود هر کس خبر فوت او را متأسف گردید

در این چند روز است که بافتضای موسم هوا شده است بطوریکه در اینجا لهایچ میگیرند روز جمعه برف خرفنی آمد ولی چندان مایه دار بود شب شنبه را برفی آمد بطوریکه زمینها را سفید کرد و چون هوا مستعد بارندگی است گمان کلی است

۱۶۲۷